



## جای آسیب شناسی تعلیمات دین در مجله رشد خالی است

### گفت و گو با دبیران دینی و قرآن دبیرستان های

#### پسرانه اصفهان

اشاره

رمضانعلی ابراهیمزاده گرجی  
مهدی مروجی

در محتوای مجله ایجاد خواهید کرد تا مجله در بسته آموزشی مورد نظر سند درسی ملی قرار بگیرد؟

کاشانی: اولاً هر دو مجله جامع و کامل تمام معارف دینی و مباحث کلامی را در بردارند تمامی نیازهای معلمان و همکاران را تأمین می کنند، ولی کمبودهایی هم در مجله مشاهده می شوند که وقتی به تهران آمدم، در جلسه ای با اعضای ستاد اعتلای درس دینی و قرآن، آقایان آیت اللهی، ایزدیان، کفاشیان و سیف این کمبودها را مطرح کردم.

ستاد اعتلا دو جلد کتاب خیلی قطور با حجم حدود ۸۰۰ صفحه در ارتباط با آسیب شناسی تربیت دینی تدارک دیده بود و در جلسه ای که در اصفهان برگزار شد، این دو جلد کتاب بین شرکت کنندگان توزیع شد. با این حال آسیب شناسی تربیت دینی در این مجلات کم رنگ است.

مستحضرید که این دو مجله از شماره جدید یکی شدند و اکنون با عنوان فصل نامه رشد آموزش قرآن و معارف اسلامی منتشر می شوند.

در سفری به اصفهان با هدف اطلاع یافتن از آرای انتقادی و پیشنهادها همکاران درباره مجله «رشد آموزش قرآن و معارف اسلامی»، با هشت تن از دبیران دوره متوسطه دوم به صورت جداگانه گفت و گو کردیم. بهانه این نشستها انتشار صدمین شماره مجله در بهار سال ۱۳۹۵ بود. در گفت و گوی اول همکاران محترم، سرکار خانمها نیلوفر هادوی، اعظم رضایی، زهره فخار و یلدا بابایی و در گفت و گوی بعدی، آقایان عبدالله بهارلو، عبدالرسول محمدی، محمدکاشانی و رحیم عنایتزاده حضور یافتند. حاصل آرای آنان را در دو متن جدا از هم می خوانید. اگر شما عضو هیئت تحریریه مجله رشد آموزش قرآن و معارف اسلامی باشید، از این پس چه تغییراتی

**کاشانی:** به هر حال اشکالات و ایرادات کتاب‌درسی در مجلات دیده نمی‌شوند. در یکی از شماره‌های اخیر مقاله‌ای خواندم با نام «چرا تعلیمات دینی به دینی شدن منجر نمی‌شود؟» از این نوع مقالات در طول هفت هشت سال فقط یکی دو مورد بیشتر چاپ نشده و لازم است این نقص در مجله رفع شود. نکته دیگری که به آن کم بها داده‌اند، وجود درس معارف و عربی در امتحان کنکور با ضریب بالاست. نیت برگزارکنندگان کنکور این است که دانش‌آموزان و قشر جوان از بعد دینی به کمال برسند، ولی در عمل به عکس می‌شود. اگر من با عشق و علاقه و براساس نیاز به دنبال این درس بروم تا آن را درک کنم، مسلماً شخص متدین و مؤمنی خواهم شد تا اینکه با زور و اجبار و ضریب و کنکور و معدل بخواهند یک نفر را دین‌دار کنند. در حال حاضر فقط دکان و تجارتخانه‌ای برای برخی مؤسسات آموزشی شده‌است.

### چه پیشنهادی دارید؟

**کاشانی:** به راحتی می‌شود درس معارف و عربی را از کنکور حذف کرد. موضوع دیگر مسائل مبتلا به جامعه امروز و به‌ویژه جوانان و مصلحین اجتماعی و دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت ماست. و آن عبارت از مکاتبی مانند سکولاریسم، لیبرالیسم، فمینیسم و اومانیسم است. این مکاتب مدعی‌اند که حرف اول را در دنیا می‌زنند و ادیان از جمله اسلام حرفی برای ارائه ندارند. باید مدعیان این مکاتب در مجله مطرح و پاسخ درستی از منابع اسلامی به آن‌ها داده شود. صاحب‌نظران ما قادر به رفع شبهه‌های آنان هستند. آقای **رحیم‌پور ازغندی** سال‌هاست که در محافل گوناگون در حال پاسخ‌گویی است. جای چنین کاری در مجله قرآن و معارف خیلی خالی است. توجه به این موارد به من دبیر کمک می‌کند تا به سؤال‌ها و شبهه‌هایی که در ذهن دانش‌آموزان ایجاد کرده‌اند، پاسخ بدهم و رفع شبهه کنم. همان‌طور که فرمودید، بنده این خواسته را داشتم که دو مجله رشد قرآن و رشد معارف یکی شوند که شکر خدا یکی شده‌اند.

**محمدی:** از اینکه به اصفهان تشریف آورده‌اید و عملکردتان را به نقد گذاشته‌اید، تشکر می‌کنم. کار شما حرکت و اقدامی نو به حساب می‌آید و احساس می‌کنم که کار پیش روی شما، برکت‌زا خواهد شد.

اگر هم‌سویی تدوین مطالب با نیازهای سه دوره تحصیلی در نظر گرفته شود، خیلی عالی خواهد بود. یعنی مجله رشد آموزش قرآن و

معارف را به تفکیک اختصاص بدهیم، به دوره ابتدایی، دوره متوسطه اول و دوره متوسطه دوم. در این صورت دبیران هر دوره تحصیلی به این مجله احساس نیاز بیشتری پیدا می‌کنند. در واقع تفکیک مطالب، بهره‌وری را افزایش می‌دهد. در حال حاضر برخی از مقالات از نظر علمی در سطح بالایی قرار دارند، ولی مورد نیاز و استفاده کاربردی معلمان نیستند. مقالات و مطالب مجله باید در سطح نیازهای مهارتی همکاران باشند تا احساس کنند مجله در بسته آموزشی عنصری مکمل است و رفع ابهام می‌کند.

### چه برای جوابگویی به نیازهای مهارتی معلمان چه پیشنهادی دارید تا در مجله بدان توجه شود؟

**محمدی:** باید از خبرگان و کارشناسان این رشته استفاده کرده این اقدام به دست‌اندرکاران مجله کمک می‌کند تا با تدارک مقالاتی درباره روش‌های تدریس مجله را از بعد اطلاع‌رسانی و پژوهشی صرف خارج و آن را کاربردی کنند. همین‌طور می‌توان از تجربه‌های همکاران تحت عنوان «تجربیات معلمان» در مجله بهره گرفت. به علاوه باید شیوه‌های جمع‌آوری مقالات و محتوا نیز متنوع شود.

### از تنوع چه چیز را در نظر دارید؟

**محمدی:** در حال حاضر از نظر موضوعی مقالات متنوع‌اند، ولی باید از ساختار تنوع کنونی خارج شد. برای مثال، طنز، دانستی‌های دینی و کلمات قصار در مجله ارائه شود. زیرا مخاطبان گروه‌های مختلفی هستند و به یقین این شیوه برایشان ایجاد جاذبه خواهد کرد.

این نکته را که مطرح می‌کنم شاید برای برخی خوشایند نباشد، ولی به نظر می‌رسد در انتخاب مقالات برای چاپ، انحصارگرایی وجود دارد. زیرا از نوشته‌های طیف خاصی در مجله استفاده می‌شود. باید دایره انتخاب نام‌ها را در تهیه مقالات بیشتر کنیم.

### از چه طریق باید این کار را کرد؟

**محمدی:** باید شاخص‌های تهیه مقالات را به مخاطبان در مجله آموزش بدهیم. این کار را می‌توان از جمله در سرمقالات مجله انجام داد. این کار آموزشی سبب می‌شود تا بهترین مقالات جذب مجله رشد شوند. باید بازخورد مقالات هم در مجله منعکس شود. بازخوردها باید تشویقی باشند.

**بهر راحتی می‌شود درس معارف و عربی را از کنکور حذف کرد**



**فکر می‌کنم  
جای بخشی  
از خطبه‌های  
حضرت علی (ع)  
در «نهج البلاغه»  
در مجله خالی  
است. زیرا  
سؤال‌هایی  
دانش‌آموزان  
از ما - معلمان  
- می‌کنند که  
پاسخ ما به آن‌ها  
باید انعکاسی از  
نهج البلاغه باشد**

## ع از «باز خورد» چه مفهومی را در ذهن دارید؟

**محمدی:** یعنی وقتی مقاله‌ای به مجله رسید، به نویسنده آن اطلاع بدهند که اثرش به درد مجله می‌خورد یا نمی‌خورد. چه خوب است ابتدا طی‌نامه‌ای به نویسنده اطلاع بدهید که مطلب و مقاله شما رسید. بررسی آن برای تأیید یا رد و اصلاح در صف قرار گرفته است.

## ع البته برای این مرحله می‌توان در مجله هم اقدام کرد. یعنی اسامی کسانی را که مقاله فرستاده‌اند، در مجله آورد.

**محمدی:** می‌دانیم که برای مثال، مجله‌های ورزشی ورزشکاران قهرمان در رشته‌های گوناگون را معرفی می‌کنند. ما در مجله برای نخبگان قرآنی چه کار کرده‌ایم؟ آیا نخبگان قرآنی را به‌عنوان نسلی که به آنان مدیونیم، معرفی کرده‌ایم؟ در حالی که این‌گونه افراد در بین معلمان و هم در بین دانش‌آموزان حضور دارند.

**عنایت‌زاده:** فکر می‌کنم جای بخشی از خطبه‌های حضرت علی (ع) در «نهج البلاغه» در مجله خالی است. زیرا سؤال‌هایی دانش‌آموزان از ما - معلمان - می‌کنند که پاسخ ما به آن‌ها باید انعکاسی مثلاً از نهج البلاغه باشد. وقتی دانشمند غیرمسلمان می‌گوید: ۲۰۰ بار نهج البلاغه را خواندم و هر بار به نکات جدیدی می‌رسیدم، تأسفبار است که من شیعه یک‌بار هم آن را نخوانده‌ام. باید این خلأ در مجله پر شود، زیرا جواب‌گوی نسل نوجوان و جوان ماست.

همین‌طور باید به شرح دعاهایی مثل ندبه، توسل و زیارت‌هایی مانند عاشورا و نوحی مقدسه در مجله توجه کرد. بنده اکثر شماره‌های مجله رشد را مطالعه کرده‌ام. جای دعاهای اصلی را خالی دیده‌ام. مبتلا به دیگر مجله، توجه نداشتن به موضوعی مانند «رعایت حقوق پدر و مادر» است. به قول آقای محمدی - همکار محترم - نیاییم مقاله‌هایی آن هم از گروهی خاص را در مجله چاپ کنیم. باید به نیازهای جامعه و دانش‌آموزان توجه کنیم. دانش‌آموز از ما می‌خواهد که به او بگوییم «چه‌طور باید حق همسایه را پاس بدارد». دانش‌آموز ما کتاب «رسالة الحقوق» امام سجاد (ع) را نمی‌شناسد. وقتی این کتاب را سرکلاس به دانش‌آموزان معرفی و آن را به ایشان نشان می‌دهم، تعجب می‌کنند.

**بهارلو:** ضمن تأیید مطالبی که دوستان فرمودند، اضافه کنم: به دلیل فراگیری رسانه‌های ارتباط جمعی و فضای مجازی، شبکه‌های اجتماعی

به‌شدت در حال گسترش هستند و در این فضا و شبکه‌ها، شبهه‌ها هم فراوان‌اند. یک ماه اول که از آغاز سال تحصیلی می‌گذرد، شبهه‌هایی را دانش‌آموزان مطرح می‌کنند. که به‌طور کامل حاصل حضورشان در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی است. پس ما نیاز داریم که به این شبهه‌ها پاسخ بگوییم.

اینکه برخی از افراد می‌گویند پاسخ دادن به این شبهه‌ها، به شبهه‌ها دامن می‌زند، سخن درستی نیست. این نظر وقتی به جا بود که فقط عده خاصی و معدود از شبهه‌ها خبر داشتند. اما اکنون که گوشی‌های تلفن همراه با امکانات مدرن و به روز در اختیار هر سن و سال و هر جنسی است، دیگر صحیح نیست. الان بچه‌ها به‌دلیل رغبت تمام به این امکانات و یادگیری روز به روز نرم‌افزارها، والدینشان را دور می‌زنند و والدین هم، یا به اندازه بچه‌ها بلد نیستند یا علاقه و حوصله ندارند، پس باید برای این شبهه‌ها پاسخ مناسب و مقتضی این سن و سال و مقتضی دنیای ارتباطی جدید فراهم کرد. نباید شبهه‌ها و سؤال‌ها را بدون پاسخ گذاشت. زیرا فکر می‌کنند پاسخی وجود ندارد و شبهه‌ها و سؤال‌ها درست هستند. به نظر می‌رسد که یکی از بهترین رسانه‌ها برای پاسخ‌گویی، مجله رشد آموزش قرآن و معارف اسلامی است. باید بخشی از مجله را به این مورد اختصاص داد؛ «پاسخ به شبهه‌های مطرح در فضای مجازی».

ع از جمله پرسش‌هایی که لازم بود مطرح کنیم و در زمره سؤال‌های ما قرار داشت، همین موردی بود که جناب آقای عنایت‌زاده بیان فرمودند با توجه به طرح موضوع از سوی ایشان، شما نیز نظرتان را بفرما بید.

**کاشانی:** در مجله شما به یک سؤال چندین بار پاسخ داده شده است و حتی یک‌بار پاسخ آیت‌الله جوادی آملی چاپ شده بود. در حالی که یک‌بار کافی است و در صورت لزوم می‌توان مخاطبان را به شماره‌ای که پاسخ در آن آمده است ارجاع داد.

**محمدی:** با توجه به بحث مهم شبهات، پیشنهاد می‌کنم که شما یک شماره از مجله را مخصوص این کار تدارک ببینید.

ع ویژه‌نامه خوب است، ولی می‌دانیم که شبهه‌ها همیشه در یک قالب مطرح نمی‌شوند، بلکه رنگ عوض می‌کنند. دیروز با آقای ابراهیم‌زاده صحبت می‌کردم که نویسنده‌ای می‌گوید: به دلیل سرعت اطلاعات، کتابی را که تازه نوشته‌ایم و منتشر کرده‌ایم، قدیمی شده



**هر معلم یک کتاب راهنما دارد. در مجله باید مطالبی باشد تا در کتاب راهنما به آن‌ها ارجاع داده شود. یعنی مطالب کتاب راهنمای معلم به صورت وسیع تر و تازه تر در مجله بیاید**

از مسئولان امر تشکر کنم.

اینجا یادداشت کرده‌ام در مدارس مخاطبان مجله بسیار کم‌اند. گر چه اکثر مدارس مجلات رشد را دریافت می‌کنند و من هر سال به سه چهار مدرسه می‌روم و می‌بینم مدیر مدرسه مجلات را روی میز گذاشته است تا هر کس خواست، بردارد و ببرد مطالعه کند، ولی فقط بنده مجله را برمی‌دارم تا مطالعه کنم. متأسفانه دبیران دیگر هیچ دغدغهای برای مطالعه این مجلات ندارند. گویی احساس نیاز نمی‌کنند. اینکه چگونه باید مخاطب را افزایش داد، فکر می‌کنم زیبا شدن فیزیک مجله یکی از روش‌های جذب مخاطب است.

**محمدی:** از پرسش زیرکانه شما تشکر می‌کنم. بخش عمده مخاطبان مجله، شما معلمان و دانشجو - معلمان هستند. اگر بتوانیم مطالب دوره‌های آموزشی ضمن خدمت را افزایش دهیم، به آموزش توجه بیشتری می‌شود. همچنین در مجله مسابقات خیلی کم‌رنگ‌اند. باید مسابقات را در مجله متنوع کرد. خوب است که از محتوای مجله هم مسابقه‌های ترتیب دهید تا همکاران بتوانند از محتوای مجله خود ارزیابی داشته باشند. آن وقت نفرات برنده را به‌طور افتخاری مشترک مجله کنید. از این طریق می‌توانید بر تعداد مخاطبان بیفزایند.

**عنایت‌زاده:** به نظرم از دو طریق می‌شود بر تعداد مخاطبان افزود:

۱. هر معلم یک کتاب راهنما دارد. در مجله باید مطالبی باشد تا در کتاب راهنما به آن‌ها ارجاع داده شود. یعنی مطالب کتاب راهنمای معلم به‌صورت وسیع‌تر و تازه‌تر در مجله بیاید.

۲. همکار محترم جناب آقای محمدی به مسابقات اشاره کردند. بنده فراتر از این مورد را مطرح می‌کنم. می‌دانید که در سال‌های گذشته از محتوای مجلات رشد سؤال‌هایی را در مسابقات می‌آوردند. متأسفانه مسابقات همکاران به دلایلی حذف شدند و این حداقل بهانه را هم از معلمان برای رجوع به مجله رشد گرفتند. من هم با آقای **کاشانی** موافقم که مجلات رشد به مدارس ارسال می‌شود، ولی یک نفر هم دست به آن‌ها نمی‌زند. به مدیر مدرسه گفتم: می‌توانم از این مجلات ببرم؟ گفت: البته زیرا خریداری ندارد. الان این مجلات بی‌اثر و بی‌ثمرند.

**بهارلو:** بنده به بحث شبهات باز می‌گردم. یک پیشنهادم این است که بیاییم برای دبیران دینی و قرآن و عربی و به کلی معارف، یارانه اختصاص بدهیم. شبهات در فضای مجازی مطرح می‌شوند. من از دبیران مختلف پرسیده‌ام: فکر می‌کنید نوک پیکان این شبهات کدام دبیران را هدف گرفته است؟ دبیر فیزیک، دبیر ریاضی، دبیر زبان

است!

**بهارلو:** بنده با چاپ ویژه‌نامه مخصوص پاسخ به شبهه‌ها یا سؤال‌های خاص مخالفم.

**محمدی:** ببخشید، پاسخ‌گویی به شبهه‌ها تنها وظیفه ما معلمان یا مجله رشد نیست. ما به سؤال‌ها و شبهه‌هایی پاسخ می‌دهیم که به محتوای کتاب درسی و آموزشی ما باز می‌گردند. با این کار، معلم ما احساس می‌کند که همکاران در مجله رشد توانایی پاسخ‌گویی مقتضی به شبهه‌ها را دارند. می‌توان این کار را به‌صورت موضوعی تقسیم‌بندی کرد.

**به نظر می‌رسد بهترین کار این است که در هر شماره مجله سرفصلی را به این کار اختصاص بدهیم.**

**کاشانی:** پاسخ به سؤالات را در مجله داریم، ولی کم‌رنگ است. باید آن را در برنامه همیشگی مجله قرار داد. از مواردی که شبهه نیستند، بلکه سؤال‌هایی واقعاً جدی محسوب می‌شوند، این پرسش‌ها هستند: علت ناامنی، جنگ و پیشرفت نکردن کشورهای اسلامی چیست؟

علت امنیت، آرامش و پیشرفت در کشورهای غیراسلامی چیست؟ چرا ما در جمهوری اسلامی، رکود، تورم، فقر و درصد بالای کارمزد بانک‌ها را شاهدیم معلم دینی و حتی کارشناسان نمی‌توانند به این پرسش‌ها پاسخ قانع‌کننده بدهند!

**عنایت‌زاده:** پیرو فرمایش آقای کاشانی عرض می‌کنم، در کلاس مطرح کردم که اگر انسان تقوا داشته باشد، برکات از آسمان برایش نازل می‌شود. دانش‌آموزی گفت: اگر بحث اعتقاد و ایمان باشد که ما بیشتر از آمریکا و اروپا داریم. گفتم: چه می‌خواهید بگویید؟ گفت: در آمریکا و اروپا باران‌هایی داریم که در ایران برای آن‌ها نظیری نداریم. بنده پاسخی دادم، ولی باید به‌صورت جامع این نوع پرسش‌ها در مجله رشد بررسی و پاسخ داده شوند تا دانش‌آموزان را بتوانیم واقعاً اقناع کنیم.

**پرسش کلیدی ما این است که باید چه کرد تا مخاطبان جدید بر مخاطبان قبلی اضافه شوند؟ یعنی ضمن اینکه باید رویش مخاطب داشته باشیم، (از ریزش مخاطب نیز جلوگیری شود.**

**کاشانی:** این نکته را عرض کنم که در دو سه سال اخیر وضع فیزیکی مجله خیلی بهبود یافته و اگر مجله را با سال‌هایی مثل سال‌های ۷۹، ۸۰ و ۸۱ مقایسه کنید، ملاحظه خواهید کرد که کیفیت کاغذ و چاپ خیلی پایین بود. ولی در این سال‌ها وضع ویژه پیدا کرده است که بنده باید





**در آموزش و پرورش  
در چند سال اخیر  
برای رتبه‌بندی  
و ارتقای شغلی  
می‌گویند مقاله  
بنویسید. در  
ناحیه خودمان  
در اصفهان برای  
انتصاب این کار  
انجام شد. پس چه  
خوب است مجلات  
رشد، محمل چنین  
کاری باشند**

انگلیسی و...؟ همه گفتند: هدف، دبیر دینی، قرآن و معارف است. زیرا جامعه و دانش‌آموزان از دبیر دینی و معارف انتظار دارند که پاسخ بدهد. خوب چه اشکالی دارد که از میان مخاطبان مجلات رشد، دبیران معارف را برای مجله رشد معارف به‌طور رایگان مشترک کنیم؟ به نظرم این کار سبب تبعیض نمی‌شود، زیرا اقتضای زمانه این کار را می‌طلبد. این پیشنهاد برای شماسست که به اصفهان تشریف آورده‌اید. پیشنهاد دیگر برای آموزش و پرورش است. البته این پیشنهادها در راستای سیاست‌های تشویقی قرار می‌گیرند.

**مورد قبلی هم به آموزش و پرورش باز می‌گردد، زیرا ما آمده‌ایم تا پیشنهادها و مطالبات همکاران محترم را منعکس کنیم.**

**بهارلو:** پیرو صحبت همکاران محترم، در حقیقت کسی مجله را نمی‌خواند. قبل از اینکه که دنبال افزایش مخاطب یا تقویت محتوا باشیم، اول باید نظرسنجی بشود تا ببینیم آیا کسی به محتوای کنونی مجله رجوع می‌کند یا خیر. به نظر می‌رسد کسی رجوع نمی‌کند.

برای تشویق این نکته را مطرح می‌کنم: در آموزش و پرورش در چند سال اخیر برای رتبه‌بندی و ارتقای شغلی می‌گویند مقاله بنویسید. در ناحیه خودمان در اصفهان برای انتصاب این کار انجام شد. پس چه خوب است مجلات رشد، محمل چنین کاری باشند. به این صورت که در قبال اشتراک رایگان مجله، اعلام شود که ارتقای شغلی و حتی ارزشیابی منوط می‌شود به شرکت معلمان معارف در مسابقه مجله رشد و آوردن نمره قابل قبول؛ البته هر بار از چهار شماره. این پیشنهاد چه قدر قابلیت اجرایی دارد، نمی‌دانم ولی یکی از عوامل تشویق و جذب مخاطب است.

**قبلا این کار انجام می‌شد، ولی موفقیت آمیز نبود. هر کس هر چه می‌خواست می‌نوشت. هیئت تحریریه مجله رشد آموزش قرآن و معارف اسلامی می‌گویند، از همکاران دبیر، مقاله‌های زیادی به دفتر مجله می‌رسند، ولی کیفیت محتوایی نازلی دارند. بیشتر هم جمع‌آوری از مثلاً اینترنت هستند. تازه تدوین درستی هم ندارند. یا موضوع‌های مطرح در جامعه را تکرار می‌کنند.**

**بهارلو:** خوب اگر پیشنهاد بنده عملیاتی شود، مشکلی که مطرح کردید، به حداقل می‌رسد. زیرا سؤال‌هایی از محتوای مجله به‌صورت تستی یا کمتر تشریحی مطرح و امتحان گرفته می‌شود.

سؤال‌ها را می‌توان به شبهات یا موارد مطرح در جامعه منحصر کرد. امتحان و مسابقه هم می‌تواند استانی باشد، سؤال‌ها را سرگروه‌ها تدوین کنند و امتیازی برای نفرات برتر در نظر گرفته شود.

**کاشانی:** آخرین شماره مجله رشد آموزش قرآن و معارف، مربوط به پاییز ۹۴ جلو رویم قرار دارد. این شماره را با شمارگان ۶۰۰۰ نسخه چاپ و منتشر کرده‌اید، در حالی که آموزش و پرورش در تمام کشور ۱۰۵ هزار باب مدرسه دارد.

**این مجله برای تمام این مدارس تولید نمی‌شود، برای معلمان دوره‌های متوسطه است.**

**کاشانی:** بله، برای دوره‌های متوسطه ۱ و ۲ چاپ می‌شود. ۸۰۰ هزار معلم داریم که نسبت به ۶۰۰۰ نسخه مجله در مقابل این تعداد معلم بسیار ناچیز است. اما درباره سخن آقای بهارلو عرض کنم، اگر بنده مقاله‌های مجله را بخوانم که امتیاز بگیرم، معرفت دینی‌ام افزایش نمی‌یابد. نمره می‌گیرم برای گرفتن امتیاز.

**آقای بهارلو یکی از راه‌های افزایش مخاطب را مسابقه و امتحان می‌دانند، نمی‌فرمایند تنها راه افزایش مخاطب است. از اتفاق، دوستانی از اعضای هیئت تحریریه نیز با آقای بهارلو هم‌نظرند که از محتوای مجله یا از برخی از کتاب‌های خاص مسابقه‌ای برگزار شود.**

**کاشانی:** دکتر عبدالعظیم کریمی را می‌شناسید. آثار متعددی دارند. در یک سخنرانی در اصفهان گفت: در هند داشتند راه‌آهن می‌کشیدند، رسیدند به کوهی که بالای آن عبادتگاهی بود. گفتند راه‌آهن را تا عبادتگاه ببریم. **گاندی** گفت: این کار را نکنید، زیرا اگر کسی بدون زحمت و دغدغه به معبد برسد، نمی‌تواند خداوند را چنان که لازم است، عبادت کند. اما اگر با سختی و زحمت و انگیزه خود را به عبادتگاه برساند، می‌تواند با معرفت عبادت کند.

**برای اطلاع شما عرض می‌شود که با دکتر کریمی گفت‌وگویی انجام شده که در مجله به چاپ رسیده است.**

**عنایت‌زاده:** دوستان درباره رتبه‌بندی نکاتی فرمودند. این‌ها درجاتی دارد؛ همان‌طور که بهشت را درجاتی و درکاتی است. اگر بهشت و جهنم نباشد، حداقل عبادت را هم نمی‌کنیم. منظورم این است که باید وسیله‌ای باشد و راهی باشد برای ورود و آشنایی با مجله. مدیر مدرسه ما اعلام کرده بود که در آخر سال از مطالب مجلات رشد امتحانی برگزار می‌کنیم. گر چه امتحان نگرفت، ولی وقتی گفت برای شرکت



**راهکار دیگر**  
**اضافه کردن**  
**همایش‌های**  
**استانی است.**  
**در هر همایش**  
**می‌توان مجله**  
**را معرفی و از**  
**شرکت‌کنندگان**  
**نظر خواهی کرد.**  
**زیرا هر چه**  
**جامعه آماری**  
**بیشتر بشود،**  
**هم بر تعداد**  
**مخاطبان و هم**  
**بر تعداد نقادان**  
**افزوده می‌شود**

**رشد آموزش قرآن و معارف اسلامی از موضوع‌های کتاب درسی پشتیبانی کند در هر حال اگر در این زمینه باز هم نظر خاصی دارید، بیان فرمایید.**

**محمدی:** کتاب‌ها، به‌ویژه تعلیمات دینی، توجه خاصی به سبک زندگی دینی دارند. اگر بتوانیم همین خط مشی را در مجلات رشد هم پی‌گیریم، خیلی مفید است. مطالب هم باید مورد علاقه مخاطبان باشند. در مجله رشد گاه مقالات تکراری بوده‌اند، اما در این زمینه باید موضوع و عنوان بکر باشد. موضوع‌های مقالات هم با سرفصل‌های کتاب درسی تناسب داشته باشند تا معلم احساس کند که با مطالعه مجله می‌تواند خود را از نظر فکری، روحی و قلبی اقیانوس کند. پیشنهاد مؤکدم این است که در این زمینه از معلم‌ها کمک بگیرید. مشاهده کرده‌ایم، هر جا معلم‌ها در کار تهیه و تدوین کتاب‌ها وارد شده‌اند، کارشان خیلی موفق‌تر از کار کسانی بوده است که معلم نبوده‌اند؛ حتی اگر استادان محترم دانشگاه باشند. زیرا برآوردی از نیازهای مدارس ندارند.

**مشخص است، زیرا پای‌شان به مدرسه، کلاس و تدریس برای دانش‌آموزان باز نشده است.**

**محمدی:** درست است. در اینجا همان گفته ابتدای جلسه‌ام را تکرار می‌کنم که مجله باید به سه بخش تقسیم شود و بخشی به دوره ابتدایی اختصاص یابد. زیرا باور داریم که ۷۰ تا ۸۰ درصد یادگیری در دوره دبستان صورت می‌گیرد. یادگیری دینی هم کمتر از یادگیری دیگر نیست. **عنایت‌زاده:** به نظرم اگر موضوع‌های هر کتاب درسی در مجله و رشد به‌صورتی بسط داده شود، مفید خواهد بود. این کار ممکن است در قالب تفسیر یا از طریق ضرب‌المثلی یا خاطره‌ای یا جریانی تاریخی انجام شود. برای مثال کتاب در قرآن پایه هفتم داریم که می‌فرماید: «و ما من دابة فی الارض الا علی الله رزقها و یعلم مستقرها و مستودعها کل فی کتاب مبین» (هود/۶).

دانش‌آموزی گفت: برایم این آیه را معنی کنید. ناگهان به یاد داستانی افتادم و آن را برای بچه‌ها بیان کردم و خواستم پیام آیه را خودشان پیدا کنند. آن داستان مربوط به حضرت موسی (ع) است که موجود بسیار کوچکی را دید و خطاب به خداوند گفت: این موجود چه‌طور روزی‌اش را تهیه می‌کند؟ دستور آمد که: عصایت را به زمین بینداز. عصایت را انداخت و زمین باز شد و در دل زمین تخته سنگی بود. باز به امر الهی کارش را تکرار کرد و تخته سنگ شکافته شد و در دل سنگ گرمی بود. بعد فرمود: ما که از تغذیه

در همایش می‌خواهیم ارزیابی کنیم، دیدم همه دنبال زیراکس و کپی از مطالب مجله‌اند.

**محمدی:** دست‌اندرکاران مجله در تهران می‌توانند از طریق رسانه ملی مجله را معرفی کنند. بنده روی برگزاری مسابقه یا شگردهای مانند آن تأکید دارم می‌توان این کار را در زمره ارزشیابی معلمان قرار داد. برای هر عنوان از مجلات رشد می‌توان این کار را کرد. معلمان معارف نیز از رشد آموزش قرآن و معارف اسلامی باید استفاده کنند. راهکار دیگر اضافه کردن همایش‌های استانی است. در هر همایش مجله را می‌توان معرفی و از شرکت‌کنندگان نظر خواهی کرد. زیرا هر چه جامعه آماری بیشتر بشود، هم بر تعداد مخاطبان و هم بر تعداد نقادان افزوده می‌شود. خوب این کار از صحبت کردن با سه چهار نفر بهتر است.

**ما شما را نمایندگان همکاران در استان می‌دانیم.** از یک ماه پیش با خانم رضایی و آقای سبزی علی تماس گرفتیم و پیگیری کردیم که معلمان صاحب‌نظر را در این مورد انتخاب کنند و شما را انتخاب کرده‌اند.

**محمدی:** بله، ما عصاره فضایل همکارانیم!

**بهارلو:** بنده خرده دفاعی از نظرم بکنم، ضمن عذر خواهی از آقای کاشانی، مثالی می‌زنم. می‌گویند مجالس ترحیم را غنیمت بدانید. به مجالس ترحیم کسانی هم می‌آیند که سال تا سال به مسجد نمی‌آیند. در این مجالس، اگر سخنران حرفه‌ای باشد، با استفاده از آیه قرآن و حدیث یا کلمات قصار و می‌تواند این نوع افراد را نیز به فکر وا دارد و آنان را از بیراهه به راه بیاورد. امتحان و مسابقه‌ای که مطرح شد، می‌تواند همین کاربرد را داشته باشد. سخن آقای کاشانی درست است، ولی مربوط می‌شود به خواص. زیرا آنان به مرحله‌ای رسیده‌اند که به انگیزه و مشوق بیرونی نیاز ندارند. پیشنهاد ما برای کسانی مفید است که خود انگیزه نیستند و انگیزه درونی ندارند. ممکن است همین مسابقه سبب شود، مطلبی را مطالعه کنند و برانگیزه شوند شماره‌های بعدی مجله را تهیه و مطالعه کنند.

**آقای مروجی روی بسته آموزشی تأکید دارند.** مجله ما هم در این بسته قرار می‌گیرد. از گذشته روی کمک آموزشی بودن مجلات رشد تأکید شده است. **دیروز نیز همکاران خانم، در جمعی مثل این جمع، اصرار داشتند که مجله باید در حدی تدارک شود که بتوان بدان ارجاع داد. تا کنون نیز آنچه مطرح فرموده‌اید، در همین راستا قرار می‌گیرد که مجله**



**یکی از کارهای مجله رشد معارف باید این باشد که به این شبهات بپردازد. خوش بختانه کتاب درسی تا حدی به شبهات پرداخته است، ولی مجله می تواند به کمک کتاب بیاید**

این موجود غافل نیستیم، چگونه از تغذیه موجود روی زمین غافل باشیم؟ بعد پیام برای دانش آموزان راحت قابل درک شد. یا درموضوع ایثار و دیگر موضوعها، باید مصادیق تاریخی آنها را بیان کرد تا در ذهن مخاطب بماند.

**کاشانی:** آقای ابراهیم زاده اشاره کرد که با دکتر کریمی مصاحبه کرده اند. خوب باید اضافه کنم که حتما با فرهیختگان دینی، علمی و معرفتی گفتگو کنید و به ویژه که این کتابها بعد از ۲۰ سال دارند تغییر می کنند. اگر بتوانید با مؤلفان این کتابها مصاحبه کنید که هر یک از مؤلفان، هدفشان را از تألیف و تدوین هر درس بیان کنند، من معلم بهتر می توانم دریابم که آن درس را چگونه تدریس کنم تا مفیدتر باشد. نام مؤلفان نیز در اول کتاب آمده است. برای مثال، در کتاب پایه هفتم، درس دوم «استعانت از خدا» است. دانش آموز هنوز به آن حد از رشد و بینش نرسیده است که بتواند خداوند را به گونه ای درک کند که بخواهد از خداوند استعانت بطلبد. برای معلم تفهیم این موضوع به دانش آموزان سخت است. دکتر رفیعی در جلسه دهه اول محرم امسال در حضور رهبر انقلاب انواع یاری کردن خدا را بیان می کرد. متوجه شدم چه قدر سخنان وی با این درس تناسب دارد. بنده هم از سخنرانی ایشان استعانت کردم. وقتی در کلاس از بچه ها پرسیدم: چگونه می شود خدا را یاری کرد؟ ۲۰ مورد را گفتند و روی تخته نوشتیم، ولی هیچ کدام با مطالب کتاب هم خوانی نداشت، بنده با بهره گیری از سخنرانی دکتر رفیعی طوری مطلب را تفهیم کردم که دانش آموز در یابد، هم می توانیم به تعبیری خدا را یاری کنیم و هم خدا می تواند ما را یاری کند.

نظرتان را درباره استفاده از فضای مجازی هم بیان بفرمایید. آیا مجله کاغذی باشد یا هم از همین صورت کنونی و هم از فضای مجازی استفاده شود یا نظر دیگری دارید؟ **بهارلو:** صرف فضای مجازی کافی نیست. کاغذ لازم است. درباره فضای مجازی با استناد به سخن یکی از استادان عرض می کنم، کتابی در ۸۶۰ صفحه با عنوان «شبهات قرآن» توسط شخصی با نام مستعار دکتر سنها در آمده است.

مؤلفان (یا مؤلف) کتاب نشانی اینترنتی استادان دانشگاه اصفهان را تهیه کرده اند و این فایل ۸۶۰ صفحه ای را به نشانی این استادان فرستاده اند. این کار را حدود یک سال پیش کرده اند. یکی از استادان می گفت: وقتی متن کتاب را در اینترنت جست و جو (سرچ) کردم، آن را یافتیم، یعنی در اختیار همگان قرار داده اند. یکی از کارهای مجله رشد معارف باید این باشد که به این شبهات بپردازد. خوش بختانه کتاب درسی تا حدی به شبهات پرداخته است، ولی مجله می تواند به کمک کتاب بیاید تا علاقه مندان

برای کسب اطلاعات بیشتر به مجله رجوع کنند. یک کار دیگر مجله لازم است این باشد که به ارجاعات و پانوشته های کتاب درسی به صورت مشروح تر و دقیق تر بپردازد. یادآوری کنم که از ۸۶۰ صفحه همان کتاب شبهات، ۴۰ صفحه مربوط به اشکالات نحوی قرآن به زعم مؤلفان است که بنده در این زمینه کاری کرده ام و می توانم حاصل آن را برای مجله رشد آموزش قرآن و معارف اسلامی بفرستم. از خودم پرسیدم: آیا تا کنون به چنین اشکالاتی کسی پاسخ نداده است؟ رفتیم و پیگیری کردم و دیدم در برخی از تفاسیر قرآن و از جمله آیت الله معرفت به این شبهات پاسخ داده اند. اما این پاسخها متفرق اند و یک جا گرد نیامده اند. بنده این کار را کرده ام و از منابع مختلف، پاسخ به اشکالات نحوی قرآن را گرد آورده ام. می شود این کار را در مجله چاپ کرد تا کار معلمها راحت شود. زیرا معلم نمی تواند برود در منابع مختلف بگردد و این کار هر کسی هم نیست.

خب می توان برای هر فصل از این شبهه ها کاری را که بنده کرده ام، انجام داد و در هر شماره رشد معارف یک فصل از شبهه ها و پاسخها را چاپ کرد تا در دسترس همگان قرار گیرد. خوب است به اصل کار هم در کتاب درسی اشاره بشود.

درباره صفحه آرایشی، گرافیک و در مجموع جاذبه بصری مجله هم خوب است دوستان نظرشان را بفرمایند. فقط آقای کاشانی به موردی اشاره کردند. می توانید درباره جلد که ویتترین مجله به حساب می آید، داخل جلد، حروف متن، نوع تیترها، ستون بندی ها و هر مورد دیگر انتقاد و پیشنهادتان را بیان دارید. ممکن است فردی را که عادت به متن خوانی از طریق کلمات ندارد، دیدن عکسی، طرحی و تذهیبی یا سوتیتری یا خوش نویسی برانگیزد تا ارتباط هر یک را با متن اصلی در یابد.

**محمدی:** بنده چند جلد از مجله را بررسی کرده ام. به نظرم باید جلد مجله، در حداقل زمان بهترین پیام را القاء کند. نباید جلد مجله مخاطب را گیج کند. باید تصاویر ساده تر با پیام کمتر تدارک شود. به ویژه لازم نیست در روی جلد و پشت جلد مجله احادیث بلند بیاید. احادیث کوتاه بهتر است. در کنارش نباید اشعار فارسی را از یاد ببریم. زیرا راز ماندگاری شاعران فارسی زبان، تمسک به قرآن کریم و اهل بیت (ع) بوده است. به ندرت دیده ام که شاعران فارسی زبان در مجله رشد معارف معرفی شوند.

از شما عزیزان به خاطر وقتی که گذاشتید متشکریم.